

موج نوین مقاومت زندانیان سیاسی

زندانیان زن اعتصاب کردند

هر روز احکام شکنجه و تعزیر زیادی به امضاء حاکمان شرع می رسد. بازار توهین و دشنام به شدت رواج دارد. عوامل زندان و توپان جو داخل سیاه چال ها را پرآشفته می سازند و بویژه در بخش زنان موجب آزار شدید همزنچیران خود می شوند. آزادی این قربانیان شکنجه درگرو خهرجینی، ایجاد جو مزاحمت و حتی کتک زدن به زندانیان سیاسی است. گروهی از زنان و دختران بعلت فشارهای شدید دچار اختلال های روانی شده اند. در پیونده برخی از زندانیان سیاسی زن جرم مشخصی بقیه در ص ۲

زندانیان سیاسی زن در تهران اعتصاب کردند. علت اعتصاب اعتراض به افزایش جو فشار، ندادن اجازه ملاقات، وضع بسیار بد غذا و بهداشت و بطور کلی رعایت حقوق انسانی و قانونی از جانب زندانبانان است. اعتصاب زنان همچون اعتصاب سال پیش زندانیان سیاسی تپلور جو مقاومت در داخل زندان های ج.ا. است. و بهمین دلیل خشم شدید رژیم را برانگیخته است. از زندان های کشور خبرهای وحشتناکی به بیرون درز می کند. بازجویان و شکنجه گران برای به زانو درآوردن اسیران درهند خشونت و سبیت را از حد گذرانده اند.



شماره ۱۶۲ دوره هشتم
سال سوم سه شنبه ۱۶/۴/۱۳۶۴
سها ۲۰ رسال

بازهم خطر

حزب توده ایران و خطر شوروی

روزنامه "واشنگتن بست" مقاله ای تحت عنوان "جنگ جهانی سوم در کجایمی تواند آغاز شود" بقلم جک اندرس و دیل آتا منتشر کرده است. در روزنامه نگار آمریکائی با استناد به "گزارش سری بنتاگون" می نویسد: پس از "خروج از صحنه" رهبر کنونی ایران، در این کشور "هرج و مرج" حاکم خواهد شد و گویا "حزب کمونیست توده که فعالیت زیرزمینی دارد حکومت را در تهران بدست می گیرد" و "ارتش شوروی" از "کوهها و گردنه ها" به خاک ایران سرازیر می شود.

جک اندرس و دیل آتاها استفاده از "گزارش سری بنتاگون" می نویسد که گویا اتحاد شوروی یک ارتش ۲۵۰ هزار نفری را برای ورود به ایران آماده کرده است. برای چه؟ بنوشته "این آقایان برای "قطع جریان نفت به غرب".

روزنامه نگاران آمریکائی پس از سرهمبندی این افسانه می افزایند: در این وضع بحرانی "فرماندهی نظامی آمریکا همبسته ای برای استفاده علیه ارتش شوروی دریافت خواهد کرد".

چنانکه ملاحظه می شود هیچ فکر بکری در این مقاله ارائه نشده است. روزنامه نگاران آمریکائی "خطر کمونیسم" را ششوار می کنند.

باید دید چرا و بجه علت روزنامه "واشنگتن بست" در شرایط کنونی تهدید بحران در خلیج فارس بار دیگر به حربه "شوروی ستیزی" متوسل شده است؟ هدف، مانند همیشه بپنهان ساختن توطئه های امپریالیسم آمریکا از افکار عمومی است.

مردم میهن ما بخوبی می دانند چه کسانی دلقه در ض ۷

در صفحات بعد

در اتحاد شوروی چه می گذرد؟ (۲)
موشک های استینگر برای ج.ا.
دلقه در ص ۳

خطر گسترش جنگ در خلیج فارس افزایش می یابد

هواییهاپر کانستیشن نیز به ۶ رزمناو دیگر آمریکا در این منطقه خواهد پیوست.

همه رویدادها و واقعیات بیانگر آنست که رزمناوهای امریکایی برای گردش و حوام آفتاب گرفتن خدمه آن وارد خلیج فارس نشده و نمی شوند. واشنگتن از هرجهت خود را برای اقدامات خطرناک آماده می سازد. اعلام گردیده است که نیروهای دریایی آمریکا در خلیج فارس و دریای عمان فرمان ها و دستور العمل های ویژه ای، از جمله در زمینه ناپودی هواییها و کشتی های "مشکوک" دریافت کرده اند و درحالت آماده باش کامل جنگی بسر می برند. در اخبار و گزارش های خبری رسانه های گروهی امپریالیستی، بازتاب این حالت جنگی را پروشنی می توان مشاهده کرد. مثلاً بی. بی. سی طی گزارشی از جمله خاطر نشان می سازد: "بین نظامیان آمریکا در منطقه خلیج (فارس) این احساس وجود دارد که آمریکا در حقیقت در مسیر جنگ با ایران قرار گرفته است" (بی. بی. سی ۷ تیرماه ۶۶).

در هفته گذشته، آمریکا موفق شد موافقت عربستان سعودی را با درخواست خود مبنی بر گسترش حریم کشت هواییهای آواکس متعلق به این کشور در منطقه خلیج فارس برای ردیابی حملات ایران به کشتی ها جلب کند. در عین حال عربستان اعلام داشته است که "بیمارستان های اضطراری در اختیار نیروی دریایی آمریکا در خلیج فارس" خواهد گذاشت. "واشنگتن" همچنین تلاش می ورزد تا تشدید فزاینده و بی سابقه حضور نظامی خود در منطقه را در پشت پرده ای از دود تبلیغات ضد شوروی بخاطر حفظ آزادی کشتیرانی در یکی از "شریان های حیاتی برای جهان غرب" توجیه کند.

از سوی دیگر، رهبران مرتجع جمهوری اسلامی نیز پادامیدن در شیپور ادامه جنگ و دست زدن به دلقه در ص ۲

تپ تشنج و وخامت اوضاع در منطقه خلیج فارس همچنان بالا می گیرد. خطر گسترش دامنه جنگ ایران و عراق بطور جدی بر سراسر منطقه سایه افکنده است. حالت جنگی فرمانروا بر آبهای خلیج فارس می تواند رخدادهای شوم و فاجعه باری را در بطن خود پیرورده و صلح و امنیت جهان را با مخاطرات جدی روبرو سازد. بموازات ادامه جنگ، تمیدیها، تحریک ها و تدارکات پرداخته، خواه از سوی رهبران مرتجع جمهوری اسلامی و خواه از سوی امپریالیسم و ارتجاع منطقه، درواقع پیش زمینه های عینی و مادی انفجارها و آتش سوزی های غیرقابل تصور و درابعادی پیش بینی نشده را فراهم ساخته است. بحران موجود به نقطه ای از اوج خود رسیده که کافیت حتی مستقل از خواست و اراده آتش پیاران اصلی، یک عامل تحریک و یا عنصر حادثه ساز تازه و پیش بینی نشده در این ماجرا وارد گردد تا سراسر منطقه در کام آتش فرورود.

نگاهی به تغییر و تحولات اخیر منطقه، بویژه در بی هدف قرار گرفتن ناو آمریکائی "استارک" و کشته شدن ۳۷ خدمه آن و تشدید حضور نظامی آمریکا به دستاویز آن و همچنین تامین امنیت کشتیرانی در آبهای خلیج فارس و حفاظت از کشتی هایی که با سرچم آمریکا در حال حرکت هستند، ریشه های نگرانی ژرف ما را عیان می سازد.

"بنتاگون" بپیرامون تقویت حضور نیروی دریایی خود در منطقه خلیج فارس اعلام داشته است که رزمناو میسوری، یعنی یکی از سنگین ترین رزمناوهای آمریکایی که به موشک های پیشرفته از نوع پرشینک و توپخانه سنگین مجهز است، دو کشتی توپدار تندرو و یک ناوشکن حامل موشک های هدایت شونده طی ۴ هفته آینده کالیفرنیا را ترک خواهند کرد و قرار است تا آخر ماه اوت به خلیج فارس وارد شوند. ناو

پیروز باد مبارزه خلق در راه سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی!

خطر گسترش جنگ در ...

حولات تازه و اقدامات تحریک آمیز و ماجراجویانه، با پی مسئولیتی کامل پر وخامت اوضاع منطقه افزودند و می‌افزایند. جمهوری اسلامی به مانور هشت روزه‌ای در منطقه خلیج فارس و دریای عمان پرداخت و با تبلیغ پیرامون نیروهای "شهادت طلب و انتحاری" به اعزام گردان‌های تحت عنوان "مدافعان خلیج فارس" و همچنین به رهگیری پر کشتی‌های تجاری در آبراه تنگه هرمز ادامه می‌دهد. خبرگزاری‌های جهان نیز از وجود پاسدارانی در جمهوری اسلامی خبر می‌دهند که آماده‌اند با قایق‌های کوچک ساحلی که پر از مواد منفجره هستند ماموریت‌های انتحاری انجام دهند.

تهدید کویت و دیگر کشورهای منطقه، تهدید به بستن تنگه هرمز و صحبت از جاری ساختن "چوب خون در دنیا" و بازی با صلح و امنیت منطقه و جهان زیر شعار مردم فریبانه "یا امنیت برای همه یا برای هیچ کس" همچنان عناصر اصلی سیاست جنگ طلبانه رژیم را تشکیل می‌دهد. در شرایطی حکام مرتجع ج.ا. پر سیاست جنگ طلبانه و ماجراجویانه خود پافشاری می‌کنند که وضعیت جنگی تمام عیار در خلیج فارس حاکم گردیده است و درباردار توماس مور، رئیس پیشین ستاد مشترک ارتش آمریکا تهدید می‌کند که "اگر حکومت اسلامی ایران به نفکته‌های کویتی یا پرچم‌ایالات متحده، آسیبی برساند، ارتش آمریکا متقابلاً اطراف جزیره خارک را مین‌گذاری خواهد کرد تا صدور نفت ایران را متوقف سازد... آمریکا به این ترتیب اراده واضح خود را در حفظ آزادی کشتیرانی به اثبات خواهد رساند. در غیر اینصورت رژیم تهران خواهد توانست از ایالات متحده با چکری کند". بدینسان حکومت ریگان خود را پیش از پیش برای دخالت در امور منطقه آماده می‌سازد. در این چارچوب شاهد آنیم که رفت و آمدهای کارگزاران و سیاست‌پردازان آمریکایی به منطقه تشدید گردیده است و هریک با انبانی از توطئه و تهدید و قرار و مدار با ارتجاع منطقه، برای تکمیل نقشه پردازی‌های خود به واشنگتن بازمی‌گردند.

در این میان، نباید علل و عواملی را که می‌تواند پای آمریکا را به ماجراجویی‌های تازه و چه بسا خونین بکشد، از نظر دور داشت. در شرایط کنونی یکی از علل عمده دخالت فعال‌تر آمریکا در خلیج فارس را باید در پرملای شدن ماجرای "ایران گیت" و افشای چهره مزور و دوروی امپریالیسم آمریکا در پیشگاه افکار عمومی مردم جهان و پیروز در نزد کشورهای عربی جستجو کرد که موجب سقوط اعتبار ایالات متحده شد. از اینروست که مورفی، معاون وزارت امور خارجه ایالات متحده می‌گوید:

"باید اعتراف کرد که با توجه به افشاکاری‌های ماجرای ایران - کنتر، ما دانستیم که انجام و جدی بودن سیاست‌های ایالات متحده و همچنین قابلیت اتکا، و بقای نیروی ما در خلیج فارس مورد سؤال قرار گرفته است" (یو.اس.

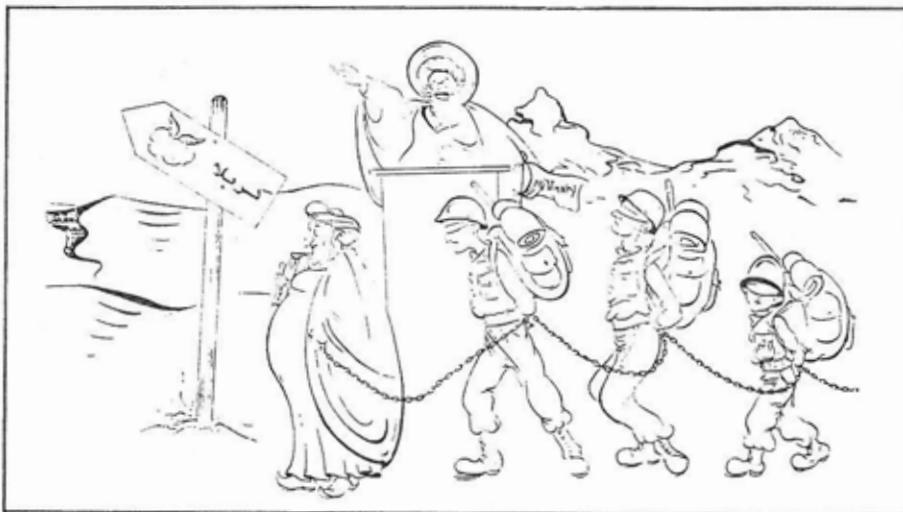
نیوزاند و ولد ریپورت ۸ ژوئن ۸۷).

طبیعی است که تلاش برای اثبات "جدی" و قابل اتکا، "بودن ایالات متحده متضمن خطر کردن‌هایی است که آشکارا آمریکا به استقبال آنها می‌رود. جورج مک‌گاورن، سناتور پیشین ایالات متحده، پس از دیدار از منطقه، طی مصاحبه‌ای که پهنوعی می‌توان آنرا آئینه تمام‌نمای دیدگاه محافل حاکم آمریکا نسبت به مسائل خلیج فارس قلمداد کرد، در پاسخ به این پرسش که "آیا فکر نمی‌کنید که این خطر وجود دارد که ایالات متحده در جنگ با ایران درگیر شود" گفت:

"همیشه وقتی که رزمناوها را وارد منطقه نبرد می‌کنند، خطر وجود دارد. این امکان وجود

خود به برگ‌های رنده‌ای دست یابند. افزایش دخالت در امور خلیج فارس از جمله به منظور دست یافتن به چنین هدفی است.

بر این بنیان، می‌توان به علل دامن زدن به آتش تبلیغات شوونیستی و عظمت طلبانه از سوی رسانه‌های گروهی ایالات متحده پی برد که می‌کوشند افکار عمومی را برای پذیرش پیامدهای اقدامات ماجراجویانه جدید دولت آمریکا آماده سازند. نتیجه ویرانگر پیماران تبلیغاتی انحصارهای خبری امپریالیستی، در سنجش افکار عمومی روزنامه "واشنگتن پست" قابل رویت است. این روزنامه در پی آخرین سنجش افکار عمومی می‌نویسد که ۸۰ درصد از اهالی ایالات متحده طرفدار حضور نظامی



آمریکا در خلیج فارس هستند و یک سوم از مردم آمریکا عقیده دارند که حضور در خلیج فارس آنقدر مهم است که حتی به قیمت بروز جنگ باید به آن ادامه داد.

در اوضاع و احوال کنونی جهان، که هر کانون تشنج بالقوه می‌تواند صلح و امنیت جهان را به خطر اندازد، در برخورد با مسئله ادامه جنگ ایران و عراق وظیفه سنگینی بر دوش نیروهای مترقی، انقلابی و صلحدوست ایران و جهان قرار می‌گیرد. باید از همه امکانات برای پایان دادن به این جنگ امپریالیسم پرافروخته بهره‌گیری کرد. باید در وسیع‌ترین سطح ممکن توده‌های مردم را نسبت به پیامدهای شوم نقشه پردازی‌های ماجراجویانه امپریالیسم آمریکا از یکسو و حکام مرتجع جمهوری اسلامی از سوی دیگر آگاه ساخت. "واشنگتن" در پی رویدادهای اخیر حضور نظامی-سیاسی خود در خلیج فارس را تحکیم و توسعه بخشیده و واقعیات موجود گواه بر آنست که به این همه نیز نمی‌خواهد قناعت کند.

دارد که یکی از آنها هدف قرار گیرد. اما منافع که در آنجا وجود دارد آنقدر بزرگ است که ارزش خطر کردن را دارد."

مک‌گاورن "خطر کردن" را از آنرو لازم می‌داند که "باید مقداری از صدمه‌ای را که در ماجرای ایران گیت به اعتبار آمریکا در جهان عرب وارد آمد، جبران کرد" (رادیویی. بی.سی. ۶۶/۴/۱۱).

عامل دیگری که بازی‌ها می‌تواند راه ماجراجویی‌های محافل فعلی آمریکا را هموار کند، نزدیکی دور جدید انتخابات ریاست جمهوری آمریکا است. "پازها" و "کبوترها" برای شرکت در انتخابات آینده آماده می‌شوند. در حالی که محبوبیت پوشالی ریگان و حزب جمهوریخواه در نتیجه شکست سیاست‌شان در زمینه‌های گوناگون از جمله در زمینه سیاست خارجی و افشای ماجرای "ایران گیت" پگونه بی‌سابقه‌ای کاهش یافته است، اینان به اشکال گوناگون تلاش می‌ورزند تا برای مقابله با حریف

نابود باد جنگ،

زنده باد صلح!

موج نوین مقاومت

جرم مشخصی وجود ندارد و مثلا به این دلیل " آب خنک می خوردن " که هنگام دستگیری از خود " خشونت " و " تغییر " نشان داده اند. رنگ چهره زندانیان به علت محرومیت از نور آفتاب و نداشتن تحرک لازم اغلب زرد و کم نیستند زندانیانی که دندان هایشان در اثر ضربات مشت از بین رفته و یا معیوب شده است.

مسئولان قضائی کشور هنگام بازدید از زندان ها از زندانیان سیاسی می خوانند که برای " آزادی " و " راحت شدن از وضع موجود " به خواست های رژیم تن در دهند و در محاکمات " علنی " فرمایشی عقاید خود را نفی کنند. پدیده ای است که پیشنهاد های غیر انسانی آنها با مقاومت زندانیان روبرو می شود و در این نبرد ناپرابر گروهی از بهترین فرزندان خلق جان خود را از دست می دهند. مرگ در زیر شکنجه تاکنون از توده ای ها قربانیان زیادی گرفته است. علاوه بر شهدائی که نام آنها را اعلام کرده ایم، مدت هاست از چندین نفر از رفقای دربند ما خبری نیست و چنین گفته می شود که در زیر شکنجه جان سپرده اند.

خانواده های زندانیان سیاسی " گهر دشت " در ملاقات هشتم اردیبهشت ماه متوجه شدند که بسیاری از عزیزانشان به سختی مضروب شده اند و حتی به علت جراحات وارده و حال وخیم گروهی از زندانیان سیاسی نتوانسته بودند در محل ملاقات حاضر شوند. خانواده های زندانیان سیاسی که جان عزیزان دربند خود را در خطر دیدند خشم خود را به زندانبانان نشان دادند و برنامه بلند بالا و تندی به دادستانی به اعمال شکنجه در زندان ها اعتراض کردند. همچنین در روز اول اردیبهشت گروهی از خانواده های زندانیان سیاسی بنماینده گی از جانب همه به " پیت منتقاری " رفتند و طی تظاهراتی خواستار توقف فشارهای جسمی و روانی و رسیدگی به وضع بهداشتی، غذایی و درمانی زندانیان شدند. از جمله عدم تحویل غذا در ماه رمضان و تجدید نظر در محکومیت زندانیان سبب ساز این تظاهرات شد. نامه های خانواده های زندانیان سیاسی به سران رژیم در مورد رسیدگی به وضع عزیزانشان و تقاضای این که لاقبل به آنها اجازه هواخوری و استفاده از نور آفتاب داده شود و با خانواده ها بتوانند برای عزیزانشان میوه و سبزی و غذاهای ویتامین دار بفرستند و یا داروهای مورد نیازشان را تامین کنند، به هیچ نتیجه ای نرسید.

در اردیبهیل گروهی از توده ای هائی که بطور موقت آزاد شده بودند و قرار بود هر هفته خودشان را معرفی کنند، دیگر پاردستگیر و به ۵ تا ۱۰ سال زندان محکوم شدند. دستگیری مجدد و محکوم

موشک های " استینگر " برای ج.ا.

علیه حضور نظامی آمریکا در خلیج فارس پس از افشای ماجرای " ایران - کیت " و با وجود اینکه سنای آمریکا هنوز به بررسی پیرامون فروش تجهیزات نظامی به ایران ادامه می دهد، تحویل سلاحهای مدرن آمریکائی به ج.ا. همچنان ادامه دارد.

طبق آخرین اخبار، در ماه مه سال جاری میلادی " سیاه پاسداران " با یکی از سران باند ضد انقلاب افغانی به نام فکیر الله قرارداد پنهانی برای خرید تجهیزات نظامی آمریکائی منعقد کرد. چندی پیش نمایندگان سیاه پاسداران در یکی از نقاط مرزی ایران و افغانستان ۲۷ موشک " استینگر " و دیگر سلاحهای آمریکائی از این باند ضد انقلاب افغانی تحویل گرفتند و بهای آن راهه ارز خارجی نقداً پرداخت کردند. آنچه در این میان جلب نظر می کند، حضور دو نفر از مشاورین آمریکائی " سیا " بهنگام تحویل سلاحهای آمریکائی بود. کارشناسان " سیا " چگونگی استفاده از موشکهای " استینگر " و دیگر سلاحهای آمریکائی راهه نمایندگان سیاه پاسداران توضیح دادند. همین اخبار حاکی است که نمایندگان ج.ا. قرارداد جدیدی را برای تحویل تعداد بیشتری موشک " استینگر " با سران باند ضد انقلاب افغانی امضا کردند.

بدینسان سردمداران رژیم که در ظاهر شعارهای تند و تیز ضد آمریکائی می دهند مانند گذشته در پشت پرده به زد و بند با امیرالیم آمریکا مشغولند. اگر تا چندی پیش واسطه " تحویل اسلحه " آمریکائی صهیونیستهای اسرائیل بودند، اینک ضد انقلاب افغانی تحت نظر " سیا " نیز به آنها افزوده شده است.

اول تیر ماه، منتقاری طی سخنرانی در برابر " جمعی از ائمه جمعه، استادان دانشگاه و حقوقدانان پاکستان " در قم از جمله گفت:

" ایران قبیل از پیروزی انقلاب پایگاه آمریکا و دوست اسرائیل بود و استقلال هم نداشت و سرنوشته کشور را در کاخ سفید تعیین می کردند... بدنبال پیروزی مردم ایران بود که آمریکا متأسفانه جنگ را بر ما تحمیل کرد هم اکنون نیز آمریکا و عالتش پشتیبان رژیم عراق هستند... "

در اینکه مردم ایران انقلاب کردند تا همین خود را از سلطه " امپریالیسم آمریکا " و صهیونیست های اسرائیل برهانند تردیدی نیست. نظر مربوط به تحمیل جنگ از جانب آمریکا هم صحیح است. اما، آنجا که منتقاری آمریکا و عالتش را فقط پشتیبان عراق معرفی می کند، دروغ آشکار می گوید و سلفه می کند.

هدف امپریالیسم آمریکا از تحمیل جنگ ایران و عراق چنانکه ما بارها گفته ایم احیای مواضع نظامی، سیاسی و اقتصادی خود در درجه اول در ایران است. افشای ماجرای " ایران - کیت " در رژیم " زد و بند های پشت پرده " سران ج.ا. به رهبری رفسنجانی و حمایت خمینی برای خرید تجهیزات نظامی نشان داد که واشنگتن با ساجت به سیاست دستیابی به مواضع از دست رفته خود در ایران ادامه می دهد. اکنون دیگر همه می دانند که سلاحهای فروخته شده توسط اسرائیل به ج.ا. تحویل داده می شد. بدیگر سخن سران رژیم در ارتباط مستقیم هم با امپریالیسم آمریکا و هم با صهیونیست های اسرائیل بوده و هستند. مامی گوئیم هستند، زیرا علیرغم جار و جنجال بلندگوییان رژیم

ساختن به زندان های دراز مدت از جمله شامل کسانی شده است که قبلا مدت محکومیت شان را پایان رسانده بودند.

فشار به زندانیان سیاسی و افزایش موج دستگیری ها در سرتاسر خاک میهن در پیوند تنگاتنگ با گسترش فعالیت نیروهای انقلابی و مترقی در چارچوب جنبش روبه رشد کشور است. رژیم می کوشد تا از این راه مبارزان را وادار به عقب نشینی سازد. پدیده ای است که این ترفند با شکست مواجه می شود، زیرا از سوئی پر مقاومت در داخل زندان افزوده شده - که اعتصاب های پی در پی زندانیان سیاسی این واقعیت را نشان می دهد - و از سوی دیگر هر روز پر پیگیری نیروهای انقلابی و دمکراتیک و اوچ گیری جنبش افزوده می شود. ادامه این روند بدون تردید به عقب نشینی هرچه بیشتر دشمن خواهد انجامید، بشرط آنکه انقلابیون بطور هماهنگ عمل کنند. مبارزه پی گیر در راه آزادی زندانیان سیاسی نیز در گرو این هماهنگی است.

استفاده دولت عراق از سلاح شیمیایی علیه نیروهای مترقی

در هولتس خبری ژوئن ۱۹۸۷ حزب کمونیست عراق گزارشی در مورد استفاده رژیم عراق از سلاح شیمیائی منتشر شده که در آن گفته شده است:

" دیکتاتوری فاشیستی صدام حسین در تلاش مذبوحانه ای برای سرکوب مبارزه مسلحانه روبه رشد و عملیات جنگی ایزدیسویس ملی عراق در کردستان، در ماه آوریل اسال در بسیاری از روستاهای مناطق آزاد شده در سلیمانیه و اربیل در شمال عراق از سلاحهای شیمیائی و گاز خردل که از نظر مراجع بین المللی ممنوع است، استفاده کرد. طبق گزارشهای مقدماتی تأیید شده است که در اثر جدیدترین جنایت رژیم، ۲۰ نفر از روستائیان بهنگانه این مناطق جراحاتشان طوری است که ممکنست منجر به مرگ بشود. و ۲۰۰ نفر دچار سوختگی های شدید شده اند."

حزب توده ایران این جنایت ضد انسانی را به شدت محکوم می کند. ممدودی عمیق خود را با قربانیان این فاجعه و همبستگی خود را با حزب کمونیست و دیگر نیروهای ترقی خواه عراق اعلام می دارد.

برای آزادی زندانیان سیاسی مبارزه خود را تشدید کنیم!

مشى اجتماعى و روابط اجتماعى - طبقاتى



نوسازی مستمر سوسیالیسم که مرکز ثقل استراتژی دگرگونسازی اجتماعى - اقتصادى را تشکیل مى دهد، بدون خلاقیت، سازماندهی و مراعات نظم و انضباط، بدون افزایش مستمر بازده کار، بدون دگرگونی هر چه بیشتر شئون اقتصادى - سیاسى و به کارگیری شیوه * عنایت امکان پذیر نیست. همه * اینها در جهت منافع جامعه و فرد - فرد اعضا * آن است که عمل مى کند. هدف استراتژی دگرگونسازی، همان کردن منافع فردى با منافع همه * خلق است.

در اتحاد شوروى چه مى گذرد؟ (۲)

رایگان و باها تخفیف به اشکال گوناگون در اختیار شهروندان قرار مى گیرد. از این بودجه، آموزش رایگان، بالابردن سطح مهارت، کمک پزشکی رایگان، پرداخت بخش اعظم هزینه * استراحت سالانه در استراحتگاهها، نگاهداری کودکان ناسن دبستان در کودکانها و غیره تأمین مى شود.

میزان کار لازم صرف شده برای تولید محصول لازم هیچگونه تأثیری در تقسیم بودجه * بنیاد اجتماعى مصرف ندارد. این بودجه بر حسب احتیاج (نه بر حسب کار) بطور برابر تقسیم مى شود. هدف، زدودن تدریجی تفاوت اجتماعى - اقتصادى و ایجاد شرایط برابر برای همه * شهروندان، صرف نظر از استعداد کار و میزان درآمدشان، در زمینه * رشد معنوی و پرورش همه جانبه * شخصیت انسانی است.

حزب کمونیست اتحاد شوروى در عین مبارزه با کسب درآمدهای غیر قانونی، تأمین درآمد بیشتر از طریق کار فردى را تشویق مى کند. این تصمیم برخلاف آنچه که مخالفان ایدئولوژیک سوسیالیسم تبلیغ مى کنند به هیچ وجه به معنی "رونق دادن به فعالیت بخش خصوصی" نیست. هدف بهره گیری از نیروی کار فردى بر پایه * تعاونی با قرار داد با مؤسسات سوسیالیستی است.

کنتره * هیئت و هفتم حزب کمونیست اتحاد شوروى اهمیت خاصی به مسئله * افزایش تولید کالاهای مصرفی و کیفیت آنها مى دهد. در اسناد کنتره خاطر نشان مى شود که اگر نتوان بازار را با کالاهای گوناگون پر ساخت و سطح خدمات را بالا برد، همه * تلاشها برای تأمین و تکمیل توزیع اثر بخش نخواهد بود و هدف افزایش رفاه مردم برآورده نخواهد شد. مدرنیزه کردن صنایع تولید کالاهای مصرفی و نیز صنایع خدماتی در این زمینه نقش تعیین کننده دارد. فقط در اینصورت است که ناموزونی چشمگیر میان عرضه و تقاضا از بین خواهد رفت.

حزب کمونیست اتحاد شوروى بر آن است که تغییرات کیفی در عرصه * اجتماعى ارتباط ناگسستنی با استفاده از آخرین دستاوردهای علم و فن دارد. این امر به کاهش سریع سهم کاربندی و آزاد شدن میلیونها تن از آن منجر خواهد شد. تغییر مستمر خصلت کار در چارچوب انقلاب علمى و فنى مسئله * پس مهم آموزش و تربیت و وسیع حرفه ای را در دستور روز قرار داده و اتحاد شوروى در سالهای اخیر گامهای مهمی در این زمینه برداشته است.

حزب کمونیست و دولت اتحاد شوروى مانند همیشه برای مسئله * تحکیم خانواده اهمیت زیادی قائلند. دستاوردهای سوسیالیسم در این عرصه غیر قابل انکار است. سوسیالیسم زنان را ازستم اقتصادى و اجتماعى رها ساخته است. در اتحاد شوروى زنان در کار، تحصیل و شرکت در امور اجتماعى دارای حقوق برابر با مردان هستند. خانواده * سوسیالیستی بر پایه * تساوى کامل مردان و زنان و مسئولیت برابر آنها در قبال خانواده استوار است. اما، این به معنی نفی وجود نارسائیهها در مناسبات خانوادگی نیست. تضمین شرایط بهتر زندگی و کار برای زنان بقصد فراهم آوردن فرصت تلفیق وظایف مادری و خانوادگی در عین حضور در عرصه * کار و فعالیت اجتماعى، یکی از طرق مبارزه برای تحکیم پایه های خانواده بشمار مى رود. بهمین سبب در برنامه * پنجساله * دوازدهم، استفاده * مادران از یکسال و نیم مرخصی با حقوق، پس از زایمان، در نظر گرفته شده است. افزون بر این، شمار روزهای مرخصی با حقوق مادران برای پرستاری کودکان بیمارشان افزایش خواهد یافت. به خانواده های کم درآمد دارای کودکان زیر ۱۲ سال حق فرزند پرداخت خواهد شد.

رشد بیشتر مناسبات اجتماعى - طبقاتى و تحکیم پیوند خلقهای اتحاد جماهیر شوروى یکی دیگر از مسائل مورد توجه حزب کمونیست اتحاد شوروى است.

نظام سوسیالیستی به اثبات رسانده که رفاه فردى بدون در نظر گرفتن رفاه مجموعه * جامعه نمی تواند قابل دوام باشد.

در گزارش سیاسى به کنتره * هیئت و هفتم حزب کمونیست اتحاد شوروى گفته مى شود که رفاه انسان همیشه در مرکز توجه حزب قرار داشته و دارد. عرصه * اجتماعى منافع طبقات و گروههای اجتماعى، ملتها، رابطه * میان فرد و اجتماع، شرایط کار و زندگی و بهداشت و تفریح را در بر مى گیرد.

مشى اجتماعى در سوسیالیسم درست آن عرصه ای است که برترى نظام سوسیالیستی بر نظام سرمایه داری را به گونه * چشمگیری نشان مى دهد. سوسیالیسم بنیان اصلی بی عدالتی اجتماعى، یعنی بهره کشی انسان از انسان و نابرابری در رابطه با وسایل تولید را ریشه کن کرده است. در اتحاد شوروى، عدالت اجتماعى به معنی برابری کلیه * شهروندان در برابر قانون، برابری واقعی ملتها، احترام به فرد و شرایط رشد همه جانبه * شخصیت وی، تضمین اشتغال، دسترسی به تحصیل و فرهنگ و بهداشت رایگان، دسترسی به مسکن و توجه به سالمندان و بهزیستی مادر و کودک و ... تأمین شده است.

حزب کمونیست اتحاد شوروى بر آن است که اینها هنوز کافی نیست و معتقد است که نهادهای مرکزی و محلی به مسائل مبرم بنیاد مادی عرصه * اجتماعى و فرهنگی کشورهای لازم را رانده اند. بهمین سبب حزب کمونیست و دولت اتحاد شوروى برای تأمین هر چه بیشتر رفاه مردم و ارتقا * سطح زندگی، برنامه های دراز مدتی را بموقع اجرا مى گذارند. مثلاً، در اسناد کنتره * هیئت و هفتم گفته مى شود که حجم منابع اختصاص یافته برای بهبود شرایط زندگی مردم شوروى در طی ۱۵ سال آینده دو برابر خواهد شد. درآمد سرانه * واقعی بین ۶۰ تا ۸۰ درصد افزایش خواهد یافت. سرمایه گذاری دولتی و تعاونی در ایجاد مسکن با سرعت افزایش مى یابد و طبق برنامه هر خانواده در اتحاد شوروى تا سال ۲۰۰۰ دارای آپارتمان ویژه * خود خواهد شد.

در سیاست دستمزدها اصل سوسیالیستی "اگر کسی به اندازه * استعدادش، به هر کس به اندازه * کارش" دقیقاً مورد نظر قرار مى گیرد. این سیاست رابطه * دقیق درآمد با کیفیت و کیفیت کار را مطرح مى سازد. افزایش نرخ دستمزد در رشته های تولیدی برای نخستین بار در چارچوب سود کسب شده در مؤسسات صورت خواهد گرفت. در رشته های غیر تولیدی افزایش حقوق از محل اعتبارات مرکزی تأمین خواهد شد. از سال ۱۹۸۶ افزایش مرحله ای حقوق بزرگان آغاز شده و افزایش حقوق کارکنان آموزش و پرورش در سال ۱۹۸۷ عملی خواهد شد.

هدف تولید اجتماعى و برنامه * گسترش آن عبارت است از ارضای هر چه کامل تر نیازهای روز افزون مادی و معنوی مردم. کار اجتماعاً سودمند و نتایج آن عامل تعیین کننده * موفقیت انسان در جامعه * سوسیالیستی است. حزب و دولت شوروى از طریق درآمیختن انگیزه های مادی و معنوی و تشویق شأوری و برخورد خلاق به کار، زمینه های لازم برای تبدیل کار به نخستین نیاز هر انسان شوروى را فراهم مى سازد.

افزون بر افزایش دستمزدها، دولت شوروى اعتبار کلانى از بودجه * کشور را صرف بنیاد اجتماعى مصرف مى کند. این اعتبار که طی برنامه * پنجساله * دوازدهم بین ۲۰ تا ۲۲ درصد افزایش خواهد یافت یکی از اهرمهای تعمیق عدالت اجتماعى است.

بنیاد اجتماعى هدف یکی دیگر از منابع درآمد شهروندان در جامعه * شوروى بشمار مى رود. بنیاد اجتماعى مصرف و توزیع درآمد، متناسب با کیفیت و کیفیت کار، پیوند متقابل دارند و یکی مکمل دیگری است. بنیاد اجتماعى مصرف شکل پولی آن بخش از محصولات لازم (آن بخش از کل محصولی، که توسط تولید کننده تولید مى شود، یعنی معادل شکل پولی دستمزد او) است که بطور

نگذشته، در مؤسسات صنعتی و غیر صنعتی، دانشگاهها و بیمارستانها و ... انتخاب مدیران و رؤسا از جانب کارکنان آغاز شده است. به بیان دیگر این زحمتکشانشان که مدیران و اداره کنندگان مؤسسات را بدخواه خود انتخاب می کنند. چنین است تحولاتی که در زمینه تعمیق دموکراسی سوسیالیستی در اتحاد شوروی انجام می گیرد.

مجموعه تدابیر در زمینه تعمیق و گسترش دموکراسی سوسیالیستی بقصد رشد خودگردانی مردم که هم اکنون در اتحاد شوروی به موقع اجرا گذارده شده است، ضربه مؤثری به مخالفان ایدئولوژیک سوسیالیسم است. بهیچ وجه تصادفی نیست که مبلغان بورژوازی شب و روز از پامال شدن باصلاح حقوق بشر و دموکراسی در اتحاد شوروی و دیگر کشورهای سوسیالیستی سخن می گویند.

دموکراسی در سوسیالیسم با دموکراسی در جوامع سرمایه داری از لحاظ ماهیت و مضمون فرق دارد. در جامعه ای که مالکیت خصوصی بر وسائل تولید حکمروایی می کند نمی توان از مراعات واقعی حقوق بشر سخن به میان آورد. یگانه شکل "دموکراسی" مورد قبول سرمایه داران عبارت است از سیادت سرمایه و حاکمیت آن در جامعه و بر جامعه. و این جز دموکراسی برای اقلیت محدود و نبود دموکراسی برای اکثریت مطلق معنای دیگری ندارد. حال آنکه دموکراسی در مفهوم سوسیالیستی آن، به معنی تأمین خودگردانی مردم است. در اسناد مدارک کنکره، بیست و هفتم خاطر نشان می شود که فقط از طریق رشد مستمر شکل سوسیالیستی دموکراسی، یعنی خودگردانی، می توان حرکت به پیش در عرصه های تولید، علم و فن، ادبیات، فرهنگ، هنر و دیگر عرصه های حیات اجتماعی را تأمین کرد.

برای نمونه می توان از انتخاب مستقیم مدیران توسط کارگران در کارخانه ها و مجتمع های بزرگ صنعتی یاد کرد. افزون بر این، شوراهای کارگری، در برنامه ریزی و اداره، تولید نقش تعیین کننده دارند. آیا در جهان سرمایه داری که انحصارهای غول پیکر مالک مجتمع های صنعتی هستند، این دموکراسی قابل تصور است؟ کدام انحصار سرمایه داری انتخاب مدیران و برنامه ریزی و اداره، تولید راه دست کارگران می سارده؟ کارگران و دهقانان کلخوزی و روشنفکران در اتحاد شوروی بدون کوچکترین محدودیتی تمام ارگانهای دولتی و از جمله مدیران مؤسسات صنعتی و کشاورزی را مورد انتقاد شدید قرار می دهند و اگر خطائی از آنها سر بزند،

در اسناد مصوب کنکره، بیست و هفتم گفته می شود که طبقه کارگر در جامعه شوروی نقش پیشاهنگ را داراست. این طبقه با توجه به موقعیتش در نظام تولید سوسیالیستی، تجربه سیاسی، روحیه جمعی، میزان بالای سازمان یافتگی، کار و فعالیت سیاسی اش، تأمین کننده وحدت جامعه بوده و نقش رهبری در پیشبرد سوسیالیسم و ساختمان کمونیسم را بر عهده دارد. توجه مستمر به تحکیم اتحاد میان طبقه کارگر، دهقانان و روشنفکران مورد نظر حزب کمونیست اتحاد شوروی بوده و هست.

انقلاب کبیر سوسیالیستی هر نوع ستم ملی را ریشه کن کرد. حزب کمونیست اتحاد شوروی تحولی عظیم در روابط میان خلقها در کشور کنکیر المله شوروی بوجود آورده است. دوستی ناگسستی میان ملل و احترام به فرهنگ ملی و تأمین رشد همگون خلقها از دستاوردهای بزرگ سوسیالیسم بشمار می رود.

اما، در عین حال کنکره، بیست و هفتم خاطر نشان ساخت که این دستاوردها نباید چنان تعبیر شود که دیگر مسئله ای در عرصه ملی باقی نمانده است. هنوز گرایش انفرادطلبی ملی، تعصبات محلی و انکلیفستی باقی مانده و گاه بطرز دردناکی تقاضا پیدا می کند. مشی درازمدت ملی حزب باید در بر طرف ساختن این نارسانیها عمل کند. این مشی باید همه جوانب منافع هر ملت و ملیت و احساسات ملی را در عین مبارزه با خود برتر بینی ملی، ناسیونالیسم و برتری طلبی زیر هر پوششی در نظر گیرد.

دموکراسی بیشتر - سوسیالیسم بیشتر

دموکراسی و سوسیالیسم جدائی ناپذیرند. در گزارش سیاسی به کنکره، بیست و هفتم بدرستی گفته می شود که دموکراسی آن هوای تازه ای است که ارگانهای اجتماعی سوسیالیسم بدون آن نمی توانند زندگی شادابی داشته باشد.

بهیچ سبب حزب تصمیم های جدیدی در جهت تکمیل خصلت دموکراتیک نظام سوسیالیستی اتخاذ کرد که تقویت شوراهای، سندیکاها، کومسومول، تعاونیهای کار، نهادهای نظارت مردمی، علنیت و غیره از جمله آنهاست.

هدف، تأمین گسترده، بیکیفانه و بی تزلزل خودگردانی مردم است. زیرا تجربه نشان می دهد که نظام سوسیالیستی فقط زمانی می تواند با موفقیت رشد

دموکراسی و سوسیالیسم جدائی ناپذیرند...

دموکراسی در سوسیالیسم با دموکراسی در جوامع سرمایه داری از لحاظ ماهیت و مضمون فرق دارد. در جامعه ای که مالکیت خصوصی بر وسائل تولید حکمروایی می کند، نمی توان از مراعات واقعی حقوق بشر سخن به میان آورد. یگانه شکل "دموکراسی" مورد

قبول سرمایه داران عبارت است از سیادت سرمایه و حاکمیت آن در جامعه و بر جامعه. این جز دموکراسی برای اقلیت محدود و نبود دموکراسی برای اکثریت مطلق معنای دیگری ندارد. حال آنکه دموکراسی در مفهوم سوسیالیستی آن، به معنی تأمین خودگردانی مردم است.

بلافاصله کنارشان می گذارند و در این زمینه از مجموعه رسانه های گروهی استفاده می کنند. آیا در جهان سرمایه داری که اینهمه درباره آزادیهای دموکراتیک در آنها تبلیغ می شود، کارگران و یارسانه های گروهی حق انتقاد از انحصارهای سرمایه داری صاحبان ابزار و وسائل تولید را دارند؟ آیا در رسانه های گروهی دول امپریالیستی از میلیاردیهای صاحب دهها مؤسسه، صنعتی انتقاد می شود؟ هیچ یک از مبلغان دموکراسی غربی نمی توانند برای نمونه هم باشد شاعدی در این باره ارائه دهند. زیرا رسانه های گروهی، از مطبوعات گرفته تا رادیو - تلویزیون، در این کشورها بطور عمده در اختیار انحصارها و صاحبان ثروت است. رسانه های گروهی در این کشورها موافق به حقیقت حاکمیت صاحبان ثروت هستند.

مانعی خواهیم دید در اینجا به تفصیل از حقوق بنیادین مانند تضمین حق کار و مسکن و بهداشت و آموزش و انتخاب ثقل و غیره که از حقوق اولیه انسانهاست و در جامعه شوروی مراعات می شود، سخن گوئیم.

در اتحاد شوروی بیکار وجود ندارد. و این در حالی است که در ایالات متحده، آمریکا و دیگر کشورهای رشد یافته صنعتی سرمایه داری تعداد بیکاران از مرز ۲۰ میلیون نفر گذشته است.

مسئله دموکراسی در جهان معاصر به یک عرصه مهم مبارزه ایدئولوژیک - سیاسی میان دو سیستم جهانی تبدیل شده است. روند این مبارزه با در نظر گرفتن تدابیری که در اتحاد شوروی در جهت تکمیل و توسعه دموکراسی

کند که مردم واقعاً امور خود را اداره کنند. شرکت سیاسی فعال میلیونها انسان در اداره امور دولتی و تعیین سرنوشت خویش، هدف گسترش دموکراسی سوسیالیستی است. حرف هر سر برروز ابتکار و حس مسئولیت طبقه کارگر، دهقانان کلخوزی، روشنفکران، همه ملت ها و ملیت ها، مردان و زنان، سالخوردگان و جوانان است. نمی توان ابتکار و حس مسئولیت را بدون سیردن کار اداره کشور به مردم در آنان سکوف ساخت.

رشد خودگردانی مردم نیازمند تکمیل هر چه بیشتر دموکراسی سوسیالیستی است. حزب کمونیست اتحاد شوروی بر آن است که همه امکانات از آنجمله ساپهرات، رادیو و تلویزیون باید در جهت گسترش دموکراسی، مستقیم مورد استفاده قرار گیرند. علنیت به مثابه یک مقوله سیاسی برای توسعه دموکراسی، خلاقیت شهروندان و مشارکت آنان در مدیریت و اداره امور ضرورت دارد. بازگو کردن نارسانیها، کمبودها و اشکالات خواست مردم شوروی است.

رفیق گارباچف در کنکره، بیست و هفتم گفت که کمونیستها خواستار حقیقتند. مردم شوروی مصرانه از مطرح شدن سازش ناپذیر هر آنچه جلوی پیشرفت را بگیرد، حمایت می کنند. مجموعه کاملی از حقوق و آزادیهای اجتماعی - سیاسی و فردی شهروندان شوروی باید عامل توسعه بیشتر دموکراسی سوسیالیستی گردد.

باید خاطر نشان ساخت که هنوز یکسال و اندی از کنکره، بیست و هفتم

برافراشته باد درفش شکست ناپذیر انقلاب کبیر سوسیالیستی اکتبر!

به موقع اجرا گذارده شده، نشانگر آن است که در این عرصه نیز سرمایه داری مجبور به دفاع است. زیرا واقعیات موجود خصلت ضد مردمی نظام سرمایه داری و صوری بودن دمکراسی در جوامع سرمایه داری را به اثبات می رساند.

روزنامه "پراودا"، ارکان کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی، در مقاله ۱۲ ژوئن ۱۹۷۸ خود زیر عنوان "پیرامون حقوق واقعی و خیالی"، پس از اشاره به اینکه در غرب بسیار درباره حقوق انسانی حرف می زنند، اما آنها را باید نه در حرف، بلکه در عمل به موقع اجرا گذارده می نویسد: "اکنون ما بهتر از هر موقعی، ژرفای اندیشه لنین را درباره پیوند زنده درونی سوسیالیسم و دمکراسی درک می کنیم. همه تجربه تاریخی کشور ما قاطعانه نشان داده که نظام سوسیالیستی حقوق واقعی سیاسی و

رفیق گارباجف در کنگره بیست و هفتم گفت که کمونیستها خواستار حقیقتند. مردم شوروی مصرا نه از مطرح شدن سازش ناپذیر هر آنچه جلوی پیشرفت را بگیرد، حمایت می کنند. مجموعه کاملی از حقوق و آزادیهای اجتماعی - سیاسی و فردی شهروندان شوروی باید عامل توسعه بیشتر دمکراسی سوسیالیستی گردد.

اجتماعی - اقتصادی شهروندان و آزادی فردی آنها را تأمین کرده، برتری دمکراسی شوروی را نشان داده و برای انسان امیدواری به فردا را تأمین کرده است."

"پراودا" پس از یادآوری شوهای تبلیغاتی امیرالیسم علیه اتحاد شوروی و به اصطلاح نقض حقوق بشر در آن کشور و تذکر تدابیر اتخاذ شده در جهت تحکیم و گسترش دمکراسی خاطر نشان می سازد: "مردم شوروی کار عظیمی در راه دگرگونی و نو سازی جامعه انجام می دهند، نه برای آنکه خوشایند کسی باشد. رشد دمکراسی شورائی با معیارهای خود ما، با معیار سوسیالیستی تعیین می شود و سر آغاز ویژه خود را دارد. خدمت عظیم سوسیالیسم در آن است که برخلاف دیگر نظامهای اجتماعی، نه تنها محدود و وسیعی از حقوق و آزادیها را اعلام کرده است، بلکه تحقق همه جانبه آنها را به پراتیک واقعی و روزانه زندگی تبدیل کرده است. از این رو، در اینجامع سخنی از زنده یکی نمی توان همیان آورد، بلکه برعکس ورطه میان دمکراسی سوسیالیستی و دیکتاتوری سرمایه انحصاری - که زیر پرده بازی ماهرانه با کلمات درباره دمکراسی پوشانده می شود - چه عمیقتر می گردد."

روزنامه "پراودا" بدستی می نویسد: کسانی می توانند درباره دمکراسی سخن گویند که حق معنوی آن را داشته باشند. در ایالات متحده آمریکا که ۲٪ درصد اهالی نصف مجموعه ثروت ملی را کنترل می کنند، چگونه می توان از حقوق بشر سخن همیان آورد؟ در این کشور که مبلغان بورژوائی آن را "بترین دمکراسی غرب" می نامند هزینه انتخاب شدن به نمایندگی مجلس نمایندگان ۲۰۰ هزار دلار و به نمایندگی سناده برابر آن است. جای حیرت نیست که از هر پنج سنااتور آمریکائی یک نفر میلیوئر است. اسال در ایالات متحده آمریکا دو بیست و سه سالگرد تصویب قانون اساسی برگزار می شود. در همین سال سازمان اجتماعی - سیاسی مشهور به "جمعیت مدافع منافع حقوقی آمریکا"، ۱۵ ماه آوریل را روز "زندانیان سیاسی" اعلام کرد. تقریباً ۱۰ سال پیش "اندرو بیانگ" که زمانی نماینده نایب آمریکا در سازمان ملل بود و اکنون شهردار آتلانتا است، اعلام کرد که در کشور وی هزاران زندانی سیاسی وجود دارند. تعداد آنها امروز چقدر است؟ به این سؤال پاسخ دقیق نمی توان داد، زیرا مقامات دولتی آماری در این زمینه منتشر نمی کنند.

۷ ژوئن ۱۹۸۷، روزنامه "پراودا" متن مصاحبه خبرنگاری "تاس" با "فرنک چیس" رئیس اجرائی اتحادیه ملی مبارزه علیه نژادپرستی و سرکوب سیاسی در ایالات متحده آمریکا را منتشر ساخت. وی می گوید که نمی تواند نام همه دگراندیشان در بند را بشمارد. لئونارد بلنیر، چون هاریس، دنیس پتکس، دوکلاس روت، برادران پریکان، ائی مونتگمری، ریچارد میلر، مولی راش و... از جمله زندانیان سرشناسی هستند که فقط به

علت مبارزه در راه حقوق بشر و آزادی به زندان ابد محکوم شده اند. تعداد زندانیانی که در ایالات متحده به زندانیهای دراز مدت محکوم شده اند و یگانه "گناهشان" مبارزه علیه نظامیگری و در راه پایان دادن به مسابقه تسلیحاتی است روز بروز افزایش می یابد. طبق برآورد "چیس دربر"، وکیل مدافع ساکن واشنگتن، تعداد اینگونه زندانیان سیاسی در حال حاضر بیشتر از ۲۰۰ تن است. دو برادر دانیل و فیلیپ پریکان، چون شوچارد، المر اس، کارل کپت، دیناهمر، لری کلاود مورگان، هلن وودسون و دهها نفر دیگر در زمره اینگونه زندانیان سیاسی هستند. همه آنها محکوم به ۵ تا ۱۸ سال زندان شده اند!

نه در اتحاد شوروی، بلکه در رشد یافته ترین کشورهای سرمایه داری دهها میلیون انسان از ابتدائی ترین حق بشر، یعنی حق کار، محرومند و شخصیت آنها لگدمال می شود. در ماده ۴۰ قانون اساسی اتحاد شوروی صریحاً گفته می شود که شهروندان از حق کار - یعنی دریافت کار تضمین شده با دستمزدی موافق با مقدار و کیفیت کار، سبباً توجه به نیازمندیهای اجتماعی، برخوردارند.

چنین حق گسترده ای فقط در حرف نیست. برای اینکه شهروندان بتوانند از این حقوق استفاده کنند، دولت همه امکانات ضروری را موجود آورده است. در پایان سده نوزدهم لنین خاطر نشان ساخت که بیکاری از قوانین ذاتی سرمایه داری است و این بی شک یک تمنا است (مهردیف با تولید اضافی و مصرف اضافی) و چون نتیجه جبری انباشت سرمایه داری است، لذا یکی از اجزای متشکله جبری مکانیسم سرمایه داری است. جمعیت اضافی یا ارتش ذخیره کار، عبارت از کارگرانی است که سرمایه داری برای توسعه احتمالی مؤسسات خود به آنها نیاز دارد، ولی آنها هیچ وقت نمی توانند به طور دائم به کار اشتغال داشته باشند.

آنچه که در کشورهای سرمایه داری می گذرد صحت این نظریه لنین را آشکارا به ثبوت می رساند. آیا می توان در چنین شرایطی از مراعات حقوق بشر در کشورهای سرمایه داری سخن گفت؟

مشی مصوب کنگره بیست و هفتم حزب کمونیست اتحاد شوروی مرحله ثوبئی در زندگی جامعه شوروی است. این مشی عبارت از اجرای همه جانبه اصول دمکراتیک و معیارهایی است که با خصلت نظام سوسیالیستی پیوند دارد. فعالیت حزب کمونیست اتحاد شوروی متوجه آن است که همه اصول اجتماعی - سیاسی و حقوق فردی و آزادی انسان شوروی به گسترش و رشد آتی

هنوز یکسال و اندی از کنگره بیست و هفتم نگذشته، در مؤسسات صنعتی و غیر صنعتی، دانشکها و بیمارستانها و... انتخاب مدیران و رؤسا از جانب کارکنان آغاز شده است. به بیان دیگر این زحمتکشانند که مدیران و اداره کنندگان مؤسسات را بدلبخواه خود انتخاب می کنند... افزون بر این، شوراهای کارگری در برنامه ریزی و اداره تولید نقش تعیین کننده دارند. آیا در جهان سرمایه داری که انحصارهای غیربیکر که مالک مجتمع های صنعتی هستند، این دمکراسی قابل تصور است؟ کدام انحصار سرمایه داری انتخاب مدیران و برنامه ریزی و اداره تولید را به دست کارگران می سپارد؟

دمکراتیسم سوسیالیستی باری کند. حزب و دولت اتحاد شوروی، تضمین این حقوق و آزادیها و تضمین آنها را وظیفه مهم خود می دانند. روند دمکراتیزه کردن همه جوانب زندگی در اتحاد شوروی را فرا گرفته و برخاسته از نظام سوسیالیستی است و به هیچ وجه نمی تواند قابل مقایسه با آزادیهای صوری در جوامع سرمایه داری باشد.

شونه دیگری در این زمینه می آوریم: هم اکنون در اتحاد شوروی دمکراتیزه کردن مدیریت اقتصادی مورد بحث است. نظر اساسی در زمینه دگرگونی سازمان اداره اقتصاد ملی عبارت از بهره گیری کامل از امکانات بالقوه ای است که در اصل بنیادین مدیریت اقتصادی، یعنی مرکزیت دمکراتیک نهفته است. تجربه نشان داد که این کار بفرنج و مشکلی است. ادامه دارد...

حزب کمونیست و دولت اتحاد شوروی نیرومندترین و

صادق ترین پشتیبانان جنبش انقلابی همه خلقهای جهانند!



کتاب سوزان دریاختران

در باختران کتاب های جمع آوری شده حزب توده ایران و دیگر نیروهای مترقی و انقلابی طعمه آتش شد. استانداری، تعدادی دیپلمه پیکار و آمدت دو هفته پیکار گرفت و در یک چاده فرعی در ۱۰ کیلومتری بیستون و اداره سوزاندن کتاب ها کرد. شخصی بنام " برادر سید حمید " از کارکنان وزارت ارشاد اسلامی، که بر کتاب سوزان نظارت داشت برای " ارشاد " کسانی که کتاب می سوزاندند گفت: با این همه کتاب ها و نشریات " مضره " بود که چون های مارا پدیدخت کردند. وی یکی از کتاب ها را بلند کرد و گفت: " هیچدم پروم لوثی پناپارت " اثر کارل مارکس. این کتاب را حزب توده چاپ و ترجمه کرده، لعنت به این حزب توده ملعون که کمونیسم و بی خدائی را وارد کشور اسلامی کرده است. در میان کتاب ها، مجموعه آثار لنین، زندگی خسرو روزبه، لنین و حزب طبقه کارگر، مارکس و انگلس و لنین - زندگی خصوصی، ده روزی که دنیا را لرزاند، مسائل معاصر آسیا و آفریقا، مسائل ارضی، تجربه ۲۸ مرداد، الفبای مبارزه، اقتصاد سیاسی و ... دیده می شد. " تاریخ مشروطیت " کسروی نیز مشمول سوختن شده بود. در همان روز اول چند نفر از استخدام شدگان پیکاری و بی پولی را به کتاب سوزاندن ترجیح دادند و علیرغم تهدیدهایی که شد راه شهر را در پیش گرفتند.

بازگشت متخصصان با سابقه به وزارت نفت

بدستور آقا زاده، وزیر نفت، قرار است گروهی از اخراج شدگان از وزارت نفت پس از بررسی های لازم " به کار باز گردند. کسانی که بازمی گردند از " متخصصان با سابقه " هستند که در آغاز انقلاب تصفیه شده بودند.

هجوم ماموران دایره مبارزه با منکرات

به شرکت های خصوصی و معطب یزسکان

ماموران " دایره مبارزه با منکرات " اغلب با در دست داشتن حکم دادستانی بطور ناگهانی به شرکت های خصوصی و معطب یزسکان مراجعه می کنند و به بررسی وضع لباس و پوشش زنان شاغل می پردازند. چنانچه زنی مثلاً از نظر ترکیب رنگ لباس ها و یا مدل آنها مورد ایراد قرار بگیرد و یا آرایش مختصری کرده باشد جهت " ارشاد " به " دایره " برده می شود. رئیس شرکت و یا پزشک مربوطه نیز بدلیل آن که نتوانسته است چند سال پس از " انقلاب اسلامی " محل کارش را اسلامی کند مورد مواخذه و پیکرد قرار می گیرد.

پدر سوزان فراری را کشتند

در " سیا کلا " ی پاهل، واقع در چاده کنج افروز، مردی بنام " داداش " را که اجازه نمی داد ماموران رژیم فرزندانش را که سرپاز فراری بودند دستگیر کنند، با کلوله کشته شد. قتل داداش خشم شدید اهالی محل را پرانگیخت و با اجتماع در برابر بیمارستان " یحیی نژاد " خواستار مجازات قاتل شدند. مسئولان رژیم مجبور شدند پنج نفر از ماموران ژاندارمری و کمیته را بعنوان قاتل زندانی کنند. علت این که پنج نفر معرفی شده اند این است که جرم هر یک از آنها سبک شود.

درگیری با عوامل رژیم در " مقری کلا "

در مراسم تشییع جنازه یکی از کشته شدگان جنگ در روستای " مقری کلا " از پخش پندبندی غربی پاهل خانواده شهید پلاکاردهای عوامل رژیم را شکستند و آنها را از میان خود راندند و شعارهای ضد جنگ و ضد رژیم دادند. عوامل رژیم عده ای را بعنوان " اخلاکر " و عامل تحریک خانواده شهید شناسایی و دستگیر کردند. پدر شهید نیز جزو دستگیر شدگان بود که دو روز بعد آزاد شد.

بازهم خطر حزب توده ایران

تسامیت ارضی کشور ما و دیگر کشورهای منطقه را تهدید می کنند. این نه اتحاد شوروی، بلکه ایالات متحده آمریکا است که ارتش ۲۰۰ هزار نفری " اقدام سریع " و فرماندهی مرکزی را از سالها پیش برای دخالت در امور داخلی کشورهای منطقه و از جمله ایران سازمان داده است. هم اکنون ما ناظر تمرکز هر چه بیشتر رژیم ها و سازمان های هواپیمایر آمریکادر خلیج فارس و جوار آن هستیم. این امپریالیسم آمریکا است که با استفاده از تهدیدهای سران رژیم ج. ا. دایر بر پستن تنگه " هرمز، احتمال بمباران شهرهای ایران را اعلام می کند. جنگنده های " اف - ۱۶ " که اخیراً پنتاگون در ترکیه متمرکز ساخته نیز به همین منظور است.

سیاست خارجی اتحاد شوروی در منطقه خلیج فارس هم مانند دیگر نقاط جهان بر پایه " احترام به حق حاکمیت خلقت استوار است. این سیاست هم مخالف صدور انقلاب و هم مخالف صدور ضد انقلاب است. اتحاد شوروی بر آن است که سرنوشت هر کشور را خلقهای آن رقم می زنند و تعیین می کنند.

ضد کمونیست های حرفه ای بی سبب می کوشند مبارزه " مستقل حزب توده " ایران علیه رژیم را با سیاست خارجی دولت اتحاد شوروی بیوند دهند. تجاوزگری از مشخصات امپریالیسم جهانی سرکردگی امپریالیسم آمریکا است. کودتای ۲۸ مرداد را به خاطر آورید. مگر در آن ایام نیز " سیا " از " خطر " حزب توده " ایران و " خطر " شوروی برای پوشاندن توطئه علیه استقلال ایران بهره نکرده؟

چند روز پیش مجله " آمریکائی " بنامند استمس نمودند و رلد ریپورت " نوشت که در جریان بررسی ماجرای " ایران گیت "، توطئه " جدید " سیا " و " شورای امنیت ملی آمریکا " علیه ایران برملا شد.

هدف از این توطئه انتقال قدرت به " میانه روهای " مورد نظر واشنگتن در ج. ا. بود. بنوشته " مجله " آمریکائی، بخشی از پول فروش تجهیزات نظامی به ایران می بایست صرف سازمان دادن کودتا در ایران می شد. مجله می نویسد که الیور ثورث، کارمند سابق " شورای امنیت ملی " در گفتگو با یکی از افسران آمریکائی فاش کرد که وی و همراهانش نقشه " از میان برداشتن برخی از سران سیاسی ج. ا. " را مورد مطالعه قرار داده بودند. آنها حتی " دستگاه انفجاری " ویژه ای را نیز برای کشتن یکی از سران ج. ا. آماده کرده بودند.

مجله " آمریکائی " می نویسد که نقشه " کودتا در مذاکرات سری با شرکت آمریکائی ها و اسرائیلی ها از سوئی و نمایندگان " میانه روهای " در ج. ا. از سوی دیگر، مورد بررسی قرار گرفته بود. مجله با استناد به شهادت یکی از نمایندگان اسرائیل شرکت کننده در مذاکرات سری تاکید می کند که مایکل لوبین، مشاور سابق شورای امنیت ملی آمریکا، در این جلسه گفته بود که واشنگتن آموزش و مسلح کردن توطئه گران را بعهده خواهد گرفت و به عنوان " مانور منحرف کننده " برخی هدفها و از جمله مناطق نفوذی ایران را بمباران خواهد کرد.

تساهاهای پنهانی " سیا " با " میانه روهای " در ج. ا. همچنان ادامه دارد. روزنامه " نیویورک تایمز " که ادامه " این تساها را فاش کرده می نویسد: عناصر میانه رو می کوشند برای بدست گرفتن قدرت پس از خیمینی از کمک غرب برخوردار گردند.

این است آن حقیقتی که هم " سیا " و " پنتاگون " و هم " میانه روهای " ج. ا. زیر پوشش شوروی ستیزی می خواهند از افکار عمومی پنهان دارند.

نوشته " جک اندرسن " و دلیل آقا واقعبت دیگری را نیز عیان می سازد: توطئه " جدید علیه حزب توده " ایران، در جریان ماجرای " ایران گیت " فاش شد که نقشه " بورش فاشستی " به حزب توده " ایران از جانب " سیا " بی ریزی شده بود. " سیا " در آن روزها هم پای اتحاد شوروی را بمیان کشید. شکنجه و زندانهای دراز مدت و اعدام گروهی از توده ایها بیوژیه محصول این پرونده سازی سازمان جاسوسی آمریکا علیه حزب ما بود. امروز هم ایالات متحده و سران ج. ا. همین هدف را تعقیب می کنند. در آن زمان هم امپریالیسم آمریکا هم سرمداران ضد مردمی رژیم ج. ا. چنین تصور می کردند که خواهند توانست به حضور فعال حزب توده " ایران در عرصه " مبارزه با بیان دهند. اما، دشمنان ما کور خوانده بودند. نظرات و برنامه های حزب توده " ایران چنان در جامعه سوخ کرده و چنان در سرایای آن ریشه دوانده که هیچ نیروی نمی تواند از نمو جوانه های آن جلوگیری کند. بیوژیه اینکه توده ایهای فداکار و ازجان گذشته با وجود بیورهای سبعانه، آتی صحنه " نبرد را خالی نگذاشتند. زندگی کار خود را از پیش برد. اکنون حضور حزب در سراسر جامعه چشم گیر است. توطئه " جدید علیه حزب توده " ایران نیز از همین واقعیت سرچشمه می گیرد. تشدید فشار بر توده ایهای در بند، ادامه " شکنجه، افزایش تعداد توده ایهای " مغفود " شده در زندانهای ج. ا.، صدور مستمر احکام جابرانه " زندانهای دراز مدت از ۲۰ تا ۴۰ سال نیز در ارتباط مستقیم با این توطئه " جدید است.

جوانان توده در پانزدهمین کنگره

کسومول دیمیتروف

پانزدهمین کنگره "اتحادیه" کمونیستی جوانان بلغارستان ("کسومول دیمیتروف") با شرکت بیش از ۲۹۰۰ نماینده ۱/۵ میلیون عضو "کسومول" و ۱۲۰ هیئت نمایندگی خارجی از نزدیک به ۱۰۰ کشور جهان در روزهای ۲۷-۲۵ مه در صوفیه برگزار گردید. نماینده "سازمان جوانان توده" ایران نیز، به نمایندگی از جانب جوانان مرفقی و پیشرو میهن مان، از جمله مهمانان خارجی این کنگره بود.

کنگره با حضور رفیق تودور ژبوف، دبیر کل کمیته مرکزی حزب کمونیست بلغارستان، و با سخنرانی رفیق آندری بونچلف، دبیر اول "کسومول دیمیتروف" کار خود را آغاز کرد.

رفیق آندری بومجولف در سخنرانی گشایش خود، ضمن برشمردن دستاوردهای جوانان کمونیست بلغارستان در ساختمان سوسیالیسم در کشور، به تشریح وظایف جدید "کسومول" با در نظر گرفتن واقعات و برنامه‌های جدید حزب کمونیست بلغارستان مصوبه کنگره سزدهم حزب پرداخت.

نماینده سازمان جوانان توده ایران، در سخنرانی خود ضمن اشاره به اهمیت تاریخی پانزدهمین کنگره جوانان کمونیست بلغارستان برای جوانان این کشور و ضرورت دفاع از صلح جهانی در چارچوب پیشنهادها اتحاد شوروی و دیگر کشورهای سوسیالیستی به تشریح اوضاع خطرناک منطقه پرداخته و از جمله گفت:

"مفته‌های اخیر فصل جدیدی در دخالت‌های امپریالیسم در منطقه ما گشوده است. امپریالیسم آمریکا و ارتجاع محلی، منطقه حاس و استراتژیک خلیج فارس را به یک کانون تشنج بین‌المللی تبدیل کرده‌اند."

وی ادامه داد:

"در شش سال و نیم گذشته امپریالیسم و ارتجاع سبب ادامه جنگ خانمانسوزی بوده‌اند، که حاصل آن نزدیک به یک میلیون کشته و زخمی، ۲ میلیون آواره جنگی و صدها میلیارد دلار خسارت مالی به دو کشور همسایه بوده است. جوانان هر دو کشور قربانیان اصلی این فاجعه عظیم هستند.

حکام ارتجاعی ایران تا کنون همه فرآیندهای بین‌المللی و ابتکارات صلح ارائه شده از جانب اتحاد شوروی، کشورهای سوسیالیستی و سازمانهای بین‌المللی را برای خاتمه این جنگ خانمانسوز کرده‌اند."

نماینده سازمان جوانان افزود:

"این سیاست جنایتکارانه رژیم، کشور ما را دچار بحران عمیق اقتصادی - اجتماعی ساخته است. رژیم بشکل وحشیانه‌ای با مخالفان خود برخورد می‌کند. در سال ۱۹۸۲ رژیم با همکاری نزدیک سازمان جاسوسی آمریکا "سا" حمله وحشیانه‌ای را

بیان موفقیت آمیز پلنوم کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی

پلنوم ژوئن ۱۹۷۸ کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی با طرح و تصویب برنامه می‌دهد که عکس‌العمل خلاق در سیاست و اقتصاد را دقیق تحول عمیق در اقتصاد کشور و تکیه روی ناگزیر می‌سازد.

ضرورت اصلاحات همه جانبه در سیستم برنامه‌ریزی، قیمت‌گذاری، مالی، اعتباری، مدیریت و غیره گام بزرگی در راه بهره‌گیری از نیروی بالقوه عظیم سوسیالیسم برداشت.

رفیق گارباجف، دبیر کل حزب کمونیست اتحاد شوروی، در گزارش به پلنوم بدستی از برتری نظام سوسیالیستی در کلیه خاطر نشان ساخت که مرحله کنونی رشد سوسیالیسم عرصه‌هاست.

انطباق کامل با درک خلاق لنینی ساختمان سوسیالیسم دارد. اشکال رشد جامعه سوسیالیستی، مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی در عرصه یک بار برای همیشه تعیین شده و غیر قابل تغییر بین‌المللی و اقتصاد جهانی نیز مؤثر خواهد بود. نیست و نیاز به تکمیل مستمر مکانیسم سازماندهی زیرا تحکیم قدرت اقتصادی سوسیالیسم و ارتقا زندگی اجتماعی و اقتصادی و تغییر مدیریت مقام و نقش آن از لحاظ عینی موجب تغییرات اساسی ملی به قصد تأمین رشد بی‌پایای سوسیالیسم و بالا بردن در تقسیم کار بین‌المللی خواهد شد.

فاجعه‌ای که باید

بیدرنگ پایان یابد

"سازمان جوانان توده ایران" و "فدراسیون دمکراتیک جوانان عراق" در مقاله مشترکی، که زیر عنوان بالا در مجله "جوانان جهان" ارکان "فدراسیون جهانی جوانان دمکرات" (شماره ۲-۱ سال ۱۹۸۷) منتشر کرده‌اند پایان فوری جنگ ایران و عراق را خواستار شده‌اند. در بخشی از این مقاله چنین می‌خوانیم:

"هدف عمده شروع جنگ ایران و عراق تضعیف جنبش انقلابی در منطقه و افزایش نفوذ سیاسی و نظامی امپریالیسم در منطقه خلیج بود... این جنگ خلقهای هر دو کشور را دچار مصیبتها و

علیه حزب توده ایران - حزب طراز نوین طبقه کارگر ایران و سازمان جوانان توده ایران، سازمان داد که سبب دستگیری و شکنجه هزاران تن و نابودی دهها تن از این فرزندان دلیر خلق گردید... ولی علیرغم همه این دشواریها جوانان مرفقی ایران امروز برای برانداختن ارتجاع حاکم و دستیابی به صلح، دمکراسی، استقلال و عدالت اجتماعی در میهن مایبکار می‌کنند."

نماینده سازمان جوانان توده ایران در جریان کنگره با هیئت‌های مختلف از جمله از افغانستان، مغولستان، لبنان، شلی، اتیوپی، پاکستان، بنگلادش، ترکیه، عراق، و همچنین هیئت نمایندگی کمیته مرکزی "کسومول دیمیتروف" دیدار و گفتگو کرد.

از دیگر ملاقاتهای نماینده سازمان جوانان توده ایران می‌توان از دیدار او با ویلماش جرون، دبیر کل "فدراسیون جهانی جوانان دمکرات" نام برد.

ویرانیهای عظیمی کرده است. طبق برآوردهای موجود، بیش از نیم میلیون نفر جان خود را در این جنگ از دست داده ("تامر" لندن این رقم را ۶۲۰۰۰۰ نفر ارزیابی کرده است) و متجاوز از نیم میلیون نفر دیگر مجروح یا معلول شده‌اند. شمار پناهندگان جنگ به ۲ میلیون می‌رسد. خسارت اقتصادی در کشور نیز سر به میلیاردها دلار می‌زند."

در مقاله نامبرده سپس گفته می‌شود: "هزینه کمرشکن تسلیحاتی هم ایران و هم عراق را در آستانه ورشکستگی قرار داده است. هر دو کشور برای گرداندن چرخ اقتصاد خود بطور کامل به درآمد نفت متکی هستند و این وضع فرصت لازم را به انحصارات امپریالیستی داده است، تا سلطه خود را در منطقه تحکیم کنند..."

مردم ایران و عراق خواستار صلح هستند. این جنگ باعث اهدام نیروهای جوان دو کشور شده است و آینده تاریکی را در برابر مردم دو کشور ترسیم می‌کند. ما معتقدیم که مردم ایران و عراق باید نظام اجتماعی - سیاسی خوشتن را برگزینند و هر گونه تلاشی برای تحمیل نظام اجتماعی - سیاسی دیگر از خارج از جانب امپریالیسم و ارتجاع محلی محکوم است و باید در برابر آن پشت مقاومت کرد."

در پایان مقاله "فاجعه‌ای، که باید بیدرنگ پایان یابد" می‌خوانیم: "ما از پیشنهادها صلح اتحاد شوروی، کشورهای سوسیالیستی و سایر محافل مرفقی برای پایان فوری درگیریها پشتیبانی می‌کنیم. هر نیروهای مرفقی برابر جهان است، که هر همبستگی خود با خلقهای قهرمان ایران و عراق در مبارزه بخاطر صلح، دمکراسی و ترقی اجتماعی بجا می‌آیند."

NAMEH	P.B. 49034
MARDOM	1002S Stockholm 49
no. 162	Sweden
7, July, 1987	

جبهه متحد خلق ضامن پیروزی انقلاب است